

## سوره «مائده» (۵)

سوره مائده آخرین سوره بلندی است که در سال‌های دوم تا یازدهم هجرت به تدریج در مدینه نازل شده است. این سوره مشتمل بر یک سلسله احکام و فرائض شرعی و مجموعه‌ای از معارف اعتقادی و اخلاقی می‌باشد که در خلال مباحثی مربوط به قوم بنی اسرائیل بیان شده است. از آنجائی که مسائل تشریحی و احکام عبادی مطرح شده در این سوره شکل بسط یافته و تفصیلی دارد و به فروع و جزئیات پرداخته است، می‌توان گفت سوره مائده جنبه روبنائی و رنگ آمیزی نهائی بنای رفیع و پر جلال و جمال قرآن را داشته، آنچنان که در آیه سوم بیان گردیده است، با نزول این سوره دین الهی تکمیل و نعمت خداوند بر مسلمانان تمام شده است (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً).

### مخاطب سوره

در این سوره ۱۶ بار خطاب «یا ایها الذین آمنوا» به کار رفته است<sup>۱</sup> که از نظر آماری بیش از بقیه سوره‌های قرآن می‌باشد.<sup>۲</sup> خطاب‌های جمعی این سوره به مؤمنین، جامعه ایمانی شکل گرفته‌ای را نشان می‌دهد که آماده دریافت دستورات انضباطی و تربیتی برای ایفای رسالتی است که به عهده دارد. این خطاب‌ها در ابتدای آیاتی قرار گرفته است که به تفصیل احکامی را بیان می‌کند. مؤمنین مخاطب این آیات همچون سربازانی که حرکات هماهنگ و

---

۱. آیات ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶  
۲. در سوره بقره با حجمی بیش از ۲ برابر سوره مائده، فقط ۱۱ بار این خطاب به کار رفته است، پس از آن سوره نساء (۹ بار) و سوره آل عمران (۷ بار) قرار دارند.

هدفداری را در یک صف منظم و مرتب انجام می دهند و گوش به فرمان فرمانده خود هستند، آمادگی خود را برای پذیرش فرامین الهی نشان می دهند. در این سوره ۵ بار هم خطاب «یا اهل الکتاب» به کار رفته است. اما با این تفاوت که اگر مؤمنین را مستقیماً مخاطب قرار داده است، در مورد اهل کتاب پیامبر را واسطه ابلاغ نموده می فرماید به آنها بگو که ... (قل یا اهل الکتاب ...). علاوه بر آن، آنها را «اهل» خطاب می کند درحالیکه مؤمنین را «ایها» (ای گروه کسانی که) می خواند تا وحدت امت و هیئت اجتماعی آنها را مورد تأکید قرار دهد.

### محتوای سوره

سوره مائده از مطالب و موضوعات متنوع و به ظاهر متفاوت و مستقلاً تشکیل شده است که در یک بررسی اجمالی می توان ۹ گروه آیات مستقل را که هر گروه سخن و سیاق معینی داشته و در یک زمان نازل شده اند مشخص نمود.<sup>۱</sup> اما این دسته آیات را می توان در یک تقسیم بندی کلی تر در دو موضوع اصلی ادغام نمود. اولین موضوع، که بخش عمده سوره یعنی حدود ۶۰٪ آنرا تشکیل می دهد، مربوط به «اهل کتاب» است و دومین موضوع «مسائل تشریحی و احکام» می باشد. این دو موضوع نیز به ظاهر بیگانه با هم به نظر می آیند اما با مختصری تدبر و تأمل در سوره متوجه می شویم که هر دو پیرامون یک مسئله می باشند. یکی از بعد تاریخی عملکرد امت های گذشته را در ارتباط با عهد و میثاق خدائی برای عبرت آیندگان نشان می دهد و دیگری این عهد و میثاق را برای امت اسلام تبیین می نماید. بنابر این تمایز و تضادی میان بخش های به ظاهر مختلف سوره وجود ندارد و تمامی آیات حول یک محور، اما از زوایای مختلف، می گردد.

### محور سوره

محور اصلی سوره و موضوعی که در خلال تمامی مطالب آن به چشم می خورد، وفای به عهد و پایبندی به پیمانی است که مؤمنین با خدای خویش بسته اند.<sup>۲</sup> وقتی صحبت از

۱. در جداول شماره ۱۴ و ۱۵ کتاب سیر تحول قرآن این گروه ها بر حسب سال نزول مشخص شده اند.  
 ۲. علامه طباطبائی (ره) نیز در تفسیر این سوره فرموده است: غرض سوره بیان حقی است که خداوند برای خود به گردن بندگان قرار داده و آن وفای به عهدی است که با خدای خود بسته اند و نباید بشکنند... غرض واداشتن بندگان به عبادت و وفای به عهد و پیمانی است که پروردگار مالک علی الاطلاق از ایشان گرفته. پس از آنان چیزی باقی نمی ماند مگر مملوکیت علی الاطلاق و شنوائی و اطاعت در برابر آنچه امر و نهیشان می کند و پایبندی به عهد و پیمان.

عهد و پیمان با خدا می شود ممکن است شخص با تعجب و انکار اظهار نماید که من چه عهد و پیمانی با خدا بسته‌ام و چه تعهدی به او سپرده‌ام؟ ... چنین استنکاف و استفهامی از آنجا ناشی می شود که معمولاً در عهد و پیمان‌های متعارف، طرفین قرارداد سندی را امضاء می کنند یا دست یکدیگر را به نشانه موافقت می فشارند، اما چون چنین معاهده‌ای، به قیاس بشری، با خدا منعقد نشده است، آدمی کمتر احساس تعهد و مسئولیت نموده و خود را موظف و مکلف می شناسد. این سؤال از همان آغاز سوره مائده هنگامی که مؤمنین را به پایبندی به «عقود» فرا می خواند (یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود ...) مطرح می گردد. کدام عقود؟ چه عقد و پیمانی؟ کجا و کی؟ ...

خداوند برای یادآوری این عهد فراموش شده، زیاد بنده خود را به انتظار نمی گذارد و در چند آیه بعد به خاطرش می آورد همینکه اظهار ایمان و اطاعت کرده، با خدای خویش عهدی بسته است که باید دائماً آنرا به خاطر داشته و متعهد به آن باشد:

(آیه ۶) و اذکروا نعمة الله علیکم و میثاقه الذی و اثقکم به اذقلتم سمعنا و اطعنا

والدین برای تربیت فرزندان خود مرتباً آنها را نصیحت کرده و به اخلاق و انضباط توصیه می نمایند. البته در سنین کودکی این هشدارها جدی گرفته نمی شود و اغلب به نسیان و فراموشی سپرده می گردد. اما در سنین بلوغ که فصل تشخیص و تمیز و عقل و اختیار است، اگر نوجوانی گوش شنوا پیدا کرده و اعتراف نمود که «شنیدم و اطاعت می کنم» (سمعنا و اطعنا)، همین اقرار که ناشی از درک و فهم فرامین ناصحانه والدین است، تعهد و پیمانی محسوب می گردد که قابل بازخواست و پیگیری می باشد. مؤمنین امت آخرین رسول نیز که در دوران بلوغ عقلی نوع بشر واقع شده و اعتراف به شنیدن ندای آسمانی ایمان کرده‌اند (ربنا اننا سمعنا منادياً ینادی للایمان ان آمنوا بریکم فامناربتنا...) و پس از اظهار ایمان به خدا و فرشتگان و کتب و رسل او اقرار به شنیدن و اطاعت نموده‌اند (... والمؤمنون کل امن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لانفرق بین احد من رسله وقالوا سمعنا و اطعنا...<sup>۱</sup>)، اینک متعهد و مسئول در برابر پیمانی خطیر قرار گرفته‌اند که باید به آن وفا نمایند.

این همان پیمانی است که در آغاز سوره مائده می فرماید: یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود...

و جالب اینکه اشاراتی نیز که به اهل کتاب در این سوره شده است، تماماً برای

عبرت گیری از عهدشکنی آنها و نقض عهدهی است که با خدای خود داشته‌اند و به همین دلیل در سرفصل مربوط به اهل کتاب ابتدا از نقض میثاق پیروان حضرت موسی و حضرت عیسی (علیهم‌السلام) یاد می‌کند:

آیات ۱۲ و ۱۳ در باره امت حضرت موسی (ع) (لقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل ... فبما نقضهم میثاقهم لعناهم ...)

آیه (۱۴) و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم فنسوا حظاً مما ذکروا به ...  
به این ترتیب معلوم می‌شود که محور اصلی آیات مربوط به اهل کتاب نیز در این سوره جریان عهدشکنی‌های مکرر این قوم می‌باشد.

### چرائی میثاق

ممکن است چنین سؤال مقدری مطرح گردد که اصلاً چرا خداوند ما را موظف و مقید به «میثاق» کرده است؟ و میثاق او با چه کسانی و تحت چه شرایطی بسته می‌شود؟ ... به نظر می‌رسد جواب این سؤال را بتوان در رابطه‌ای که میان میثاق و «نعمت» در این سوره برقرار شده است پیدا کرد. به این معنا که نعمت‌های خداوند امانت‌های او نزد ما هستند. برای آنکه این امانت‌ها را ضایع نکرده و خود را ملزم به استفاده صحیح و مناسب از آن بشماریم ضروری است مسئولیتی بپذیریم و میثاقی را متعهد گردیم، همچنانکه در روابط عادی بشری نیز عموماً تعهدات و حقوق دو طرفه‌ای معین می‌گردد.

نگاهی اجمالی به آیات این سوره، در مواردی که مسئله «میثاق» و عهد و پیمان و تعهدی مطرح شده، آشکار می‌سازد که همواره بین این موضوع و انواع نعمت‌ها رابطه‌ای برقرار است. حتی اگر در یک آیه چنین ارتباطی مشهود نباشد سیاق آیات و نتیجه‌گیری نهائی آن چنین فرضی را اثبات می‌نماید. فرضاً اگر در آیه اول این سوره بدون ذکر نعمت تنها از پایبندی به عقود سخن گفته است (یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود ...)، در چند آیه بعد دلیل آنرا که تکمیل دین و اتمام نعمت است ذکر می‌کند (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً). یا اگر آنها را موظف و مکلف به وضو و غسل و تطهیر و تیمم می‌سازد، دلیل آنرا پاکیزگی و اتمام نعمت می‌شمارد:  
یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا ... و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون.

حضرت موسی (ع) وقتی می‌خواهد بنی‌اسرائیل را پایبند به پیمان‌های الهی نماید، آنها را به نعمت‌های خدا که شاخص‌ترین آنها شایستگی برای جعل نبوت و مالک شدن بر

سرنوشت خویش (به جای اسارت و ذلت) و دریافت چیزهایی که به احدی از عالمین داده نشده است یادآور می شود.

و اذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمت الله عليكم اذ جعل فيكم انبياء و جعلكم ملوكاً و اتيكم مالم يؤت احداً من العالمين.

در جای دیگر (آیه ۱۲) نیز برانگیختن ۱۲ سردار الهی از میان این قوم و معیت و تأییدات الهی را نعمتی می شمارد که باید در ازای آن متعهد به اقامه صلوة، ایتاء زکوة، ایمان به رسولان و ارجمند شمردن آنان و قرض الحسنه گردند:

لقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل و بعثنا منهم اثني عشر نقيباً و قال الله اني معكم لئن اقمتم الصلوة و اتيتم الزكوة و امنتم برسلي و عزرتموهم و اقرضتم الله قرضاً حسناً ...

در ارتباط با حضرت عیسی بن مریم (ع) نیز وقتی می خواهد مراتب تسلیم و تعبد و توحید و پایبندی آن بنده خالص را به میثاق الهی از یک طرف، و عهدشکنی پیروان حضرتش در انحراف از توحید و گرایش به تثلیث نشان دهد، ابتدا از نعمتی که بر او و مادرش (علیهما السلام) ارزانی داشته است یاد می کند و نشان می دهد که برخلاف پیروان، او چگونه شاکر این نعمات و متعهد به آن بود:

(۱۱۰) و اذ قال الله يا عيسى بن مريم اذكر نعمتي عليك و على والدتك و اذ ايدتك بروح القدس ...

و بالاخره خطاب به مسلمانان نیز میثاقی که با آنان بسته نتیجه نعمتی می داند که به آنان ارزانی داشته است<sup>۱</sup>:

(۷) و اذكروا نعمة الله عليكم و ميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم سمعنا و اطعنا ...  
سرانجام توجه به این نکته نیز خالی از فائده نخواهد داد که ذکر داستان دو فرزند آدم نیز برای نشان دادن دو مسیر متنافر عهدشکنی و پایبندی به میثاق، از همان آغاز راه و اوان پیدایش بنی آدم می باشد.

### معیار تبیین کننده میثاق

مسئله دیگری که در ارتباط با «میثاق» مطرح است، شناخت واقعی حلال و حرام، آنچنان که خداوند معرفی کرده، و تشخیص و تمیز آن از حلال و حرام هائی است که جوامع برحسب آداب و سنن و فرهنگ خرافی و شرک آلود خود ابداع کرده اند. همانطور که در

۱. در آیات ۳-۶-۷-۱۱ این سوره عبارت: «يا ايها الذين آمنوا اذكروا نعمت الله» تکرار شده است.

قراردادها و پیمان‌های بشری مرجعی به نام قانون یا مصوبات رسمی برای تعریف مرزهای مجاز و غیرمجاز و حدود و وظائف و اختیارات طرفین وجود دارد، در میثاق‌های الهی نیز مرجعی برای شناخت حلال حرام لازم است. این مرجع چیزی جز همان «کتاب» که عنوان «فرقان» (معیار فرق گذاری بین حق و باطل، حلال و حرام، خوب و بد ...) بر آن گذارده شده نمی باشد و از این جهت نیز سوره مائده وضعیت ممتازی نسبت به سایر سوره‌ها داشته نقش کتاب و معیارهای آنرا که «ما انزل الله» نامیده شده برای «حکم» (داوری) میان مردم به خوبی نشان می دهد.

در سوره مائده عبارت ذیل که با نتیجه گیری از انحرافات بنی اسرائیل، سه بار و با سه نتیجه مختلف تکرار شده است به چشم می خورد:

و من لم يحکم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون  
 « » « » « » « » « » « »  
 « » « » « » « » « » « »  
 « » « » « » « » « » « »

هشدارهای این سوره برای حاکمیت بخشیدن به اصولی که در «ما انزل الله» واجب شده و احتراز از گردن نهادن به امیال و هواهای نفسانی و نظریات منحرفین آنچنان روشن است که راه هرگونه توجیه و تعلل را می بندد. در این سوره ۸ بار جمله «ما انزل الله» تکرار شده است<sup>۱</sup> که به مراتب بیش از سایر سوره‌ها می باشد<sup>۲</sup>. همچنین جمله «ما أنزل» نیز که همان مفهوم را دارد ۹ بار تکرار گردیده است<sup>۳</sup> که آن هم از نظر آماری بیش از بقیه سوره‌ها می باشد. مجموعه این توجهات و تأکیدات نشان می دهد که در میثاق الهی، یعنی تعهد و مسئولیتی که بنده باخالق خویش دارد، راهنمای عمل تنها و تنها کتاب الهی می باشد.

علاوه بر آن، حاکم بودن کتاب در اختلافات بین مردم از موضوعاتی است که به شدت در این سوره مورد تأکید قرار گرفته است. بطوریکه تنها در مجموعه آیات ۴۱ تا ۵۰ که ناظر به این مسئله است، ۲۰ بار مشتقات کلمه «حکم» به کار رفته است که چنین تمرکز و تأکیدی بی نظیر در قرآن می باشد. در این آیات علمای اهل کتاب را به دلیل آنکه آیات خدا را تحریف کرده و یا از ترس مریدان از گفتن آن امتناع می کردند مذمت می نماید و پیروی از چنین علمائی را که با کتمان «ما انزل الله» نظریات فقهی خود را به کرسی می نشانند محکوم می نماید.

۱. آیات ۴۴-۴۵-۴۷-۴۹-۱۰۴

۲. بعد از سوره مائده، از این نظر، سوره بقره در ردیف دوم قرار دارد که ۴ بار جمله مذکور در آن به کار رفته است.

۳. آیات ۵۹-۶۴-۶۶-۶۷-۶۸-۸۱-۸۳

## مرزهای میثاق

هر عهد و پیمانی، حدود و ثغور و مرز مشخصی دارد که چارچوب آنرا تعیین می کند، مثلاً وقتی خانه ای را در ازاء مبلغی اجاره می کنیم، قانون مدت و نوع استفاده و تصرف مجاز از ملک را معین می سازد. بطوری که نه تغییراتی برخلاف نظر مالک می توان در بنا داد و نه استفاده ای غیرمجاز از آن نمود. در پیمان های شرعی نیز چنین است. با این تفاوت که به جای کلمات قانون و مقررات و مصوبات، کلمه «شرع» به کار می رود و به جای کلمات مجاز و غیرمجاز یا ممنوع و آزاد، از اصطلاح «حلال و حرام» استفاده می شود.

همانطور که گفته شد محور اصلی این سوره «میثاق» است و به همین دلیل هم حد و مرز میثاق که با دو کلمه «حلال و حرام» مشخص گشته، در این سوره بیش از بقیه سوره ها تکرار گردیده است. مروری گذرا بر این سوره نشان می دهد که ۱۳ بار مشتقات کلمه حرام<sup>۱</sup> و ۱۲ بار مشتقات کلمه حلال<sup>۲</sup> در آیات آن تکرار شده است که به مراتب بیش از سایر سوره های قرآن می باشد<sup>۳</sup>.

آیاتی که کلمات حلال و حرام در آن به کار رفته است عبارتند از:

- (۱) - یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود احلت لکم بهیمة الانعام الامایتلی علیکم غیر محلی الصيد و انتم حرم ...
- (۲) - یا ایها الذین آمنوا لاتحلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ... ولا امین البیت الحرام ... و اذا حللتم فاصطادوا ...
- (۳) - حرمت علیکم المیته ...
- (۴) - یستلونک ما ذا احل لهم قل احل لکم الطیبات و ...
- (۵) - الیوم احل لکم الطیبات و طعام الذین اتوا الکتاب حل لکم و طعامکم حل لهم
- (۲۶) - قال فانها محرمة علیهم اربعین سنه ...
- (۷۲) -... و من یشرک بالله فقد حرم علیه الجنة ...
- (۸۷) - یا ایها الذین آمنوا لاتحرموا طیبات ما احل الله لکم ...

۱. آیات ۱-۲-۳-۲۶-۷۲-۸۷-۹۵-۹۶-۹۷

۲. آیات ۱-۲-۴-۵-۸۷-۸۸-۹۶

۳. اگر در نظر داشته باشیم که پس از سوره مائده که ۱۲ بار مشتقات کلمه حلال در آن به کار رفته است، سوره بقره قرار دارد که علیرغم حجم بیشتر آن نسبت به مائده، تنها دارای ۶ مورد از این کلمه می باشد، به اهمیت تمرکز این مسئله در سوره مائده بیشتر پی خواهیم برد. البته در مورد حرام، در مقایسه با ۱۳ بار تکرار آن در سوره مائده، سوره بقره با ۱۴ بار تکرار در ردیف اول قرار دارد.

(۸۸) - و کلو ما رزقکم الله حلالاً طیباً ...

(۹۵) - یا ایها الذین آمنوا لاتقتلوا الصید و انتم حرم ....

(۹۶) - احل لکم صید البحر و طعامه ... و حرم علیکم صید البحر ما دتمم حراماً.

(۹۷) - جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاماً للناس و الشهر الحرام.

همانطور که در آیات فوق مشاهده می شود بیشترین زمینه حلال و حرام در این سوره در ارتباط با خوردنی ها<sup>۱</sup> و طیب بودن آنها است<sup>۲</sup>، پس از آن آیات مربوط به شهر الحرام و بیت الحرام و مرزهای اعمال در چنان مکان و زمانی است که خود بهترین تمرین برای رعایت حلال و حرام می باشد. واژه «صید» نیز که تنها در این سوره آمده است<sup>۳</sup>، به هر دو زمینه فوق ارتباط دارد و حرام بودن آنرا در ماه های حرام یادآوری می نماید.

### ابعاد لغوی میثاق

در این سوره هم واژه میثاق به کار رفته است، هم عقود (عقود، عقدتم) و هم ایمان (پیمان هائی که با سوگند بسته می شود). ظاهراً هر سه کلمه ناظر به یک موضوع هستند ولی هر کدام از زاویه خاصی بر آن نگاه می کنند، میثاق از ریشه «وثق» (که وثوق و موثق هم از همان ریشه اند) از بُعد اطمینان و اتکائی که باید به یک قرارداد پیدا کرد مسئله را مطرح می نماید. در حالیکه معنای عقد (یا عقود) گره ای است که دو ریسمان یا دو طرف پیمان را به یکدیگر متصل می سازد. در مقایسه با این دو واژه به نظر می رسد واژه «ایمان» که همان اظهار تعهد و مسئولیت با فشردن دست راست (یمین) طرف تعهد می باشد و سوگندهای ظاهری و زبانی را نیز شامل می شود دارای اهمیت کمتری باشد. آیه ذیل این موضوع را نشان می دهد:

لایؤخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن یؤخذکم بما عقدتم الایمان ... ذلک کفارہ ایمانکم اذا حلفتم و احفظوا ایمانکم.

ایمان معمولاً با سوگند همراه است مثل: اقساموا بالله جهد ایمانهم (آیه ۵۳) و یا آیه فوق: ذلک کفارۃ ایمانکم اذا حلفتم.

همچنین آیات ۱۰۷ و ۱۰۸: ... فیقسمان بالله لشهادتنا احق ... او یخافوا ان ترد ایمان بعد ایمانهم ...

۱ . ۹ بار مشتقات «اکل» در این سوره تکرار شده است. آیات ۳-۴-۴۲-۶۲-۶۳-۶۶-۷۵-۸۸-۱۱۳  
 ۲ . دو کلمه طیبات و طیباً در این سوره بیش از بقیه سوره ها تکرار شده است (آیات ۴-۵-۶-۸۷-۸۸)  
 ۳ . ۶ بار در آیات ۱-۲-۹۴-۹۶-۹۶



درحالیکه میثاق را که باید اطمینان آور باشد خدا می گیرد. مثل:  
 آیه (۷) و اذکروا نعمه الله و میثاقه الذی و اثقکم به ...  
 « (۱۲) و لقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل ...  
 « (۱۴) و من الذین قالوا انا نصاری اخذنا میثاقهم ...

### چرا باید به پیمان خدا وفادار ماند؟

آخرین آیه این سوره که همچون سوره های دیگر، جمع بندی و نتیجه گیری آن به شمار می رود، پیامی دارد که باید به آن عنایت نمود. در این آیه روی دو موضوع: مُلک و قدرت تأکید شده است:

لله ملک السموات والارض و هو علی کل شی قدیر

همانطور که گفتیم، محور اصلی سوره مائده میثاق و پیمانی است که مؤمن با پروردگار خویش می بندد، اینک می خواهیم بینیم چه رابطه ای بین این محور و جمله «والله علی کل شی قدیر» که پیام نهائی این سوره بوده و چندین بار در متن سوره و در ارتباط با مقاصد مهم آن به کار رفته است وجود دارد.

ابتدا به مواردی که این جمله (علاوه بر آیه فوق) در سوره مائده به کار رفته است اشاره می کنیم، آنگاه با توجه به مفاهیم ملک و قدرت سعی می کنیم رابطه آنرا با محور سوره پیدا کنیم:

آیه (۱۷) ... قل فمن یملک من الله شیئاً ان اراد ان یهلک المسیح ... والله ملک السموات والارض و هو علی کل شی قدیر.

« (۱۹) یا اهل الکتاب ... فقد جاءکم بشیر و نذیر والله علی کل شی قدیر.

« (۴۰) الم تعلم ان الله له ملک السموات والارض یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء والله علی کل شی قدیر.

اگر کسی مالک واحدی صنعتی یا کشاورزی باشد، برای اداره ملک خود مجبور است کارگرانی را برحسب قراردادی مرض الطرفین استخدام نماید. اگر مالک موردنظر بی عرضه یا ناتوان باشد در این صورت نافرمانی و هرج و مرج در حیطه کارش به وجود خواهد آمد. اما اگر لیاقت و مدیریت داشته فرمانش نافذ در زیر دستان باشد، می توان به کارش امیدوار شد.

دو بُعد مالکیت و نفوذ امر را (که هر دو در معنای کلمه «مُلک» نهفته است<sup>۱</sup>)، بُعد سوّمی به نام «قدرت» تکمیل می کند که اگر مدیری واجد این سه حالت باشد، عوامل تحت فرمان او نمی توانند از «میشاقی» که بسته اند تخطی نمایند. آنچه گفته شد تشبیه و تمثیلی است برای فهم ساده تر ارتباط دو واژه ملک و قدرت (درآیه: **لله ملک السموات و الارض و هو علی کل شی قدیر**) با واژه «میشاق» که به عنوان محور اصلی سوره بیان کردیم.

از آنجائی که خداوند مالک آسمان ها و زمین و ملک وجود است و اراده و مشیتش در عالم هستی نافذ بوده قدرت انجام هر کاری را دارد، سرور و سید و «رب العالمین» است و کسی را یارای سرپیچی از فرمانش نیست. از طرفی ما بندگان، مخلوق و مملوک او هستیم، اگر هم توانائی و قدرتی داریم و تصرفی در امور و اشیاء می کنیم، به واسطه و به فضل او است. پس سزاوار است به «میشاقی» که با او بسته ایم وفادار باشیم. و چنین است که آخرین آیه سوره ای که محور مضامینش عقود و ایمان و میثاق است، با همین پیام ختم می شود:

**لله ملک السموات و الارض و ما فیهن و هو علی کل شی قدیر.**

### کلمات کلیدی

علاوه بر موضوعاتی که ذکر گردید، از طریق توجه به کثرت کاربرد واژه های مختلف در این سوره می توان به اهمیت مطالب مطرح شده در آن پی برد. ذیلاً به چند مورد آن اشاره می کنیم:

۱- ولایت - مسئله ولایت در معنای سیاسی اجتماعی آن که همان مدیریت جامعه است، در این سوره از بقیه سوره های قرآن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بطوریکه مشتقات واژه «ولی» در این سوره حائز اکثریت می باشد (البته در سوره نساء هم به رقم بالائی برخورد می کنیم، اما در سوره مائده عمدتاً در بُعد سیاسی اجتماعی کلمه می باشد).

آیات ۵۱-۵۵-۵۶-۵۷-۸۰-۸۱ و ۱۰۷ مربوط به مسئله ولایت می باشد.

علت تأکید زیاد این سوره روی مسئله ولایت، موقعیت زمانی نزول آن می باشد که

در آخرین ماه های آخرین سال هجرت نازل شده است

۱. در معنای ملک در تفسیر المیزان آمده است: ملک سلطنت مخصوصه ای بر نظام موجود بین اشیاء و اثر آن عبارتست از نفوذ اراده در آنچه که بر آن سلطنت دارد

۲- تقوی - از آنجائیکه پایبندی به عهد و پیمان‌ها مستلزم داشتن نیروی اراده و تقوا می‌باشد، در این سوره مشتقات این خصلت پس از سوره‌های بقره و آل عمران از نظر تعداد مقام سوم را در قرآن دارد.

۳- فسق - کلمه فسق در سوره مائده با ۸ مورد کاربرد، بالاترین رقم را در قرآن دارد، معنای فسق خروج از حدود و دایره محرمات الهی می‌باشد، از آنجا که عقود و میثاق‌ها از محورهای اصلی سوره است، لاجرم فسق که نقص و هتک حدود می‌باشد از جهت منفی مورد توجه قرار گرفته است.

۴- حکم «بما انزل الله» - در این سوره مسئله حاکمیت کتاب و معیار و ملاک بودن آنچه خدا در کتاب نازل کرده، به شدت مورد تأکید قرار گرفته و یهود و نصاری را به خاطر آنکه این موازین و ضوابط را نادیده می‌گرفتند به شدت توبیخ کرده است. در این سوره از آیه ۴۱ تا ۵۰ (۸ آیه) مجموعاً ۲۰ بار مشتقات واژه «حکم» به کار رفته است که در قرآن بی نظیر می‌باشد. در همین آیات سه بار عبارت: «و من لم یحکم بما انزل الله» تکرار شده که جزای آن: فاولئك هم الکافرون، هم الظالمون و هم الفاسقون شمرده شده است.

علاوه بر آن، در آیات متعددی از این سوره، اهل کتاب را به دلیل آنکه آیات را تحریف کرده یا از ترس مریدان، حقایق تلخ آنرا مخفی می‌کردند سرزنش می‌نماید.

#### تقسیمات سوره مائده (از نظر موضوع و سال نزول)<sup>۱</sup>

سال نزول ۱۱ هـ	موضوع تشریحی	۱- آیات ۱ - ۹
» ۲ هـ	» انضباطی - داستانی - تشریحی	۲- » ۱۰ - ۱۴
» ۱۰ هـ	» اهل کتاب	۳- » ۱۵ - ۲۲
» ۲ هـ	» انضباطی - داستانی - تشریحی	۴- » ۲۳ - ۲۹
» ۹ هـ	» داستانی و تشریحی	۵- » ۳۰ - ۳۶
» ۲ هـ	» انضباطی - داستانی - تشریحی	۶- » ۳۷ - ۴۴
» ۱۰ هـ	» اهل کتاب	۷- » ۴۵ - ۵۵
» ۷ هـ	» روابط با اهل کتاب و شناسائی	۸- » ۵۶ - ۸۸
» ۹ هـ	» داستانی و تشریحی	۹- » ۸۹ - ۱۲۰

۱. بر حسب محاسبات آماری کتاب «سیر تحول قرآن».

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، این سوره از نه گروه مستقل تشکیل شده است که به‌طور کلی شامل دو موضوع اصلی: ۱- اهل کتاب ۲- آیات تشریحی، انضباطی - داستانی می‌باشد که البته مطالب مطرح شده در داخل هر یک از این دو موضوع تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

۹ گروه یاد شده در ۴ مقطع زمانی (سال‌های ۲، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ هجری) نازل شده‌اند. به این ترتیب که سه گروه در سال ۲ هجری، دو گروه در سال ۹ و دو گروه در سال ۱۰ هجری و در سال‌های ۷ و ۱۱ هجری هر سال یک گروه نازل شده است. گروه‌های هم موضوع هم‌زمان نازل شده‌اند، اما به‌جای آنکه مانند کتاب‌های بشری نظم موضوعی داشته و زیر یکدیگر قرار گیرند، مانند سوره‌های بقره و نساء (که تاکنون بررسی کرده‌ایم) در هم مخلوط شده‌اند. بطوریکه هیچیک از گروه‌های هم موضوع و هم‌زمان زیر یکدیگر قرار نگرفته‌اند و این از ویژگی‌های نظم قرآنی است که در عین تفاوت و تنوع موضوعات مطرح شده در یک سوره و ظاهر در هم ریخته و بی‌نظم آن، هماهنگی و ارتباط و نظم معنایی دقیقی میان قسمت‌های مختلف و به‌ظاهر بیگانه سوره وجود دارد. این مطلب از سیستم و مجموعه منظم و مرتب‌تری حکایت می‌کند که خداوند علیم حکیم بنیان نهاده است، گوئی در هم ریختگی و اختلاط موضوعات سوره قرآن عمدی بوده است تا اندیشه و انظار را متوجه نظم شگفت درونی آن کند.

نکته دیگر اینکه نه تنها مطالب داخل سوره عمداً در هم ریخته است، بلکه از نظر زمانی نیز چنین نبوده که آیات نازل شده در سال‌های جلوتر مقدم بر سایر آیات قرار گیرد، همانطور که مشاهده می‌شود سوره با آیات نازل شده در آخرین سال (۱۱ هـ) شروع می‌شود در حالیکه آیات مربوط به سال ۲ هـ پس از آن قرار گرفته است.

### آهنگ سوره

منظور از آهنگ سوره، حرف انتهائی آخر هر آیه است که لحن و صوت معینی را به وجود می‌آورد. این سوره از یکصد و بیست آیه تشکیل شده که دوسوم آن یعنی هشتاد آیه با حرف «ن» ختم می‌شوند و یک سوم بقیه با حروف دیگری به ترتیب ذیل:

م - ۲۴ مرتبه، ر - ۷ مرتبه، ب - ۴ مرتبه، ل - ۳ مرتبه، د - ۲ مرتبه

جالب اینکه تمامی کلماتی که در آخر آیات با حرف «نون» ختم می‌شوند، به خداوند مربوط می‌شود، یعنی یا اسامی الهی هستند یا اموری که از خداوند صادر شده است. مثل

بهشت و جهنم و غیره<sup>۱</sup>.

حرف «م» - رحیم - صراط مستقیم - عذاب عظیم - الیم - مقیم - حکیم - حلیم - جنات النعیم - جحیم - ذوانتقام و ...  
حرف «ر» - ان الله علیم بذات الصدور - علی کل شی قدير - الیه المصیر - ما للظالمین من انصار

حرف «ب» - ان الله شدید العقاب، سریع الحساب، علام الغیوب.

حرف «ل» - سواء السبیل (۳ بار)

حرف «د» - ان الله یحکم ما یرید - انت علی کل شی شهید.

آیاتی که با حرف «ن» ختم می شوند در دو جهت مثبت یا منفی اعمال انسان را نمایش می دهند. مثل:

مثبت: مؤمنون - تشکرون - محسنین - متقین - مقسطین - یوقنون - تفلحون - مؤمنین - راکعون - غالبون - شاهدین - صالحین - مسلمون - عالمین - مبین.

منفی: خاسرین - ظالمون - ظالمین - فاسقین - فاسقون - یصنعون - قاعدون - نادمین - مسرفون - کافرون - کافرین - تختلفون - مفسدون - یؤفکون - معتدین - یستکبرون - منتهون - تکتمون - لایعقلون - لایهتدون - اثمین - یعملون - یکتمون و ...

گویی در برابر عقود و میثاق های الهی، بشر دو موضع «وفا» و «نقض» را به خود می گیرد که بسته به موقعیت و موضوع مشمول یکی از تعاریف فوق می گردد.

### نام های نیکو

نام های نیکوی الهی که در این سوره به کار رفته اند به ترتیب عبارتند از:

الله ۱۴۷ بار، رب (مضاف) ۱۷ بار، علیم و غفور (هر کدام ۶ بار)، رحیم ۵ بار، قدير ۴ بار، عزیز و حکیم (هر کدام ۲ بار)، سمیع، واسع، شهید، رقیب، حلیم، خبیر، بصیر (هر کدام یکبار).

۱. ناگفته نماند از میان ۸۰ آیه ای که با حرف «ن» ختم می شوند و مربوط به عملکرد انسان می باشند، دو آیه را نمی توان به عملکرد انسان مربوط دانست گرچه در رابطه با او و خواسته او است.

آیه ۱۵ - ... قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین

آیه ۱۱۴ - ... و ارزقنا و انت خیر الرازقین (گرچه خداوند خیر الرازقین است، اما رازقین انسان ها هستند)

علاوه بر اسامی فوق اسماء ترکیبی ذیل در سوره مائده به کار رفته‌اند:  
 شدیدالعقاب (۲ بار)، علام الغیوب (۲ بار)، خیرالرازقین، سریع الحساب.  
 جمع دو دسته اسماء فوق ۲۰۰ نام می‌باشد.

### ارتباط سوره‌های مائده و انعام (۵ و ۶)

چنین به نظر می‌رسد که محور تداوم دهنده مطالب سوره مائده، در سوره انعام موضوع «سماوات و ارض» باشد که سوره اولی با تأکید بر مالکیت خدا بر آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است و قادر بودن او بر هر چیزی (یعنی بر مالکیت و قدرت انحصاری خدا بر عالم هستی)، ختم می‌شود. و سوره بعدی با ستایش خدائی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و در آن ظلمات و نور را قرار داده است (یعنی حرکت و حیات و نظام حکیمانه را). درحالی‌که کافران به جای آنکه از این جریان به توحید پی ببرند به خدای خود شرک می‌ورزند.

مائده ۱۲۰- الله ملک السموات والارض و ما فیهن و هو علی کل شیء قدير.

انعام ۱- الحمد لله الذی خلق السموات والارض و جعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بریهم یعدلون.

سوره انعام که آخرین پیام سوره مائده (تأکید بر مالکیت و قدرت انحصاری خدا بر عالم هستی) را در اولین آیه خود از بُعد متحرک و متحول آن، یعنی در تنوع شبانه‌روز و فصول، که حیات را پدید آورده، مورد تفصیل و تبیین قرار داده، در آیات بعدی خود از زوایا از زوایا و ابعاد دیگری این مسئله را مطرح کرده است:

\* آیه (۳) و هو الله فی السموات و الارض یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون.

در این آیه که با فاصله کوتاهی پس از آیه قبل آمده است، موضوع «علم» خدا بر نهان و آشکار و بر مکتسبات و اعمال انسان را اضافه می‌نماید. چرا که موضوع آیه قبل یعنی آفرینش و جعل تاریکی و نور در آسمان‌ها و زمین را مشرکین نیز به خدا نسبت می‌دادند، اما از آنجائی که خدا را پروردگار آسمان‌ها دانسته و تدبیر عالم زمین و انسان‌ها را واگذار شده به فرشتگان (و بت‌ها) تصور می‌کردند، الوهیت او را در زمین، در نتیجه علم و آگاهی او را نسبت به عملکرد آدمیان، انکار می‌نمودند و به همین خاطر در این آیه بر الوهیت او نسبت به کل آسمانها و زمین تصریح می‌نماید:

\* آیه (۱۲) قل لمن ما فی السموات والارض قل لله کتب علی نفسه الرحمه لیجمعنکم

الی یوم القیمه لاریب فیہ الذین خسروا انفسهم فهم لایؤمنون.

نتیجه منطقی و مستقیمی که از «علم» خدا بر اعمال انسان‌ها حاصل می‌شود، بی تفاوت نبودن به نیک و بد رفتار بندگان و جزا دادن به آنها متناسب با مکتسباتشان

می باشد که این خود بزرگترین رحمت است (کتاب علی نفسه الرحمه). اگر غیر از این بود جهان به مدرسه ای تبدیل می شد که امتحان و ارتقاء و به کلاس بالارفتن در آن ملغی شده همه درجا می زدند. همه آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خدا است. او بر خود این رحمت را نوشته است که همه را روز قیامت جمع نماید. ولی متأسفانه کسانی که سرمایه های نفسانی و عقل و خرد خود را به دنیا فروخته و وجدان خود را باخته اند، این حقیقت را باور نمی کنند.

\* آیه (۱۴) قل اغیر الله اتخذ ولیاً فاطر السموات والارض و هو یطعم ولا یطعم قل انی امرت ان اکون اول من اسلم و لا تکونن من المشرکین.  
قل انی اخاف ان عصیت ربی عذاب یوم عظیم - من یصرف عنه یومئذ فقد رحمه و ذلک الفوز المبین.

حال که خدا خالق آسمان ها و زمین بوده، حیات و حرکت آنرا پدید آورده و بر اعمال بندگان نیز آگاهی مطلق دارد، علاوه بر دنیا، آخرت نیز متعلق به او بوده سرنوشت ابدی بندگان به مشیت و رحمت او بستگی دارد، آیا راهی جز «اتخاذ ولایت او»، (به جای ولایت بندگان و صاحبات قدرت و ثروت) وجود دارد؟ و این ترتیب و توالی منطقی را آیه ۱۴ از زبان پیامبر به مشرکین بیان می کند. اینکه روی مسئله طعام تأکید شده به دلیل اهمیتی بوده است که مسئله روزی به طور محسوس و ملموس برای مردم آن عصر و زمان، در سرزمین خشک و فقیر عربستان برای زنده ماندن داشته و اگر سرسپرده والیان می شدند برای سیر شدن و تأمین زندگی چنین می کردند. در ضمن دلیل دیگر اتخاذ ولایت خدائی خوف از عصیان او و عقوبت روز عظیم است که جز سایه رحمت خدا بازگرداننده ای از آن نیست.

\* آیه (۷۳) و هو الذی خلق السموات والارض بالحق و یوم یقول کن فیکون قوله الحق و له الملك یوم ینفخ فی الصور عالم الغیب و الشهاده و هو الحکیم الخبیر.

این آیه در حقیقت جامع آیات قبل و جمع بندی جوهری است که درباره آسمان ها و زمین گفته شده، از آفرینش به حق (نه باطل و عبث) آسمان ها و زمین، تا حاکمیت امر خدا و قول او بر پیدایش اشیاء (قادر بودن)، انحصار مالکیت او در روز دمیدن در صور، دانای پنهان و آشکار، حکیم و مطلع از جزئیات امور.

این است رب العالمینی که باید به همه چیز پشت کرد و تنها به او روی آورد و از او پرهیز کرد و آینده قیامت و سرنوشت ابدی را به دست او دانست.

\* آیه (۷۲).... و امرنا لنسلم لرب العالمین، و ان اقیموا الصلوة و اتقوه و هو الذی الیه تحشرون.

\* آیه (۷۵) و کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض و لیكون من الموقنین.

\* آیه (۷۹) انی و جهت و جهی للذی فطر السموات و الارض حنیفاً و ما انا من المشرکین.

هر دو آیه فوق درباره حضرت ابراهیم است. گویا پس از آیات قبل، به خصوص آیه جامع ۷۳، خداوند خواسته است مصداق عملی ایمان به این اصول، و انسانی را که با رشد عقلی و تجزیه تحلیل مسائل و تدبیر در پدیده‌ها، به فهم و شناخت ملکوت آسمان‌ها و زمین رسیده و یکسره روی خود را با تمام وجود و مخلصانه و حنیف وار به سوی او نموده، معرفی نماید ملکوت هر چیز، روح و جان و حرکت و حیات آن است. ابراهیم چشم از ظاهر دنیا و خورشید و ستارگان فراتر آورد و از جسم و ماده این پدیده‌ها، پی به اراده و مشیتی که آنها را می گرداند برد و سپس خود را هم‌آهنگ با همه ذرات هستی، همچون قطره‌ای که به دریا می پیوندد و صفت دریا پیدا می کند، تسلیم نمود و وجه خود را متوجه آفریننده هستی کرد. چنین کاری احتیاج به تحصیلات دانشگاهی و مطالعه فلسفه و فقه و کلام نداشت، دلی پاک و سالم از آموخته‌های آلوده می خواست تا بدیهی ترین حقیقت را باور کند. و این الگو و اسوه را در اواخر این سوره برای این معرفی کرده است تا حجت تمام باشد و هرکسی بدانند با نظاره‌ای بر ستارگان و ماه و خورشید می تواند به ملکوت آن پی برد.

\* (آیات ۱۰۱ تا ۱۰۴) بدیع السموات و الارض انی یکون له ولد و لم تکن له صاحبه و خلق کل شی و هو بکل شی علیم.

ذلکم الله ربکم لاله الا هو خالق کل شی فاعبدوه و هو علی کل شی وکیل.

لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر.

قد جائکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ.

آخرین آیه‌ای که در سوره انعام درباره آسمان‌ها و زمین آمده، نتیجه‌ای است از آیات قبل و درسی است برای مشرکین معاصر پیامبر (و آینده) که ربوبیت او را تجزیه کرده به فرشتگان و بت‌ها نسبت می دادند. در این مجموعه جامع که بلیغ ترین بیان درباره «بدیع السموات و الارض» است، بر علم مطلق خدا بر تمامی اشیاء، خالقیت مطلق او، نگاهیانی مطلق او و بصیرتش بر تمامی ابصار و آگاهی دقیق و اطلاع کاملش بر جزئیات امور تأکید می نماید و چنین خدائی را رب واقعی معرفی می کند تا او را عبادت کنند. بدیهی است اجبار و اکراهی در کار نیست، هرکس چنین بصیرتی در شعاع انوار هدایت الهی پیدا کند، به نفع خودش بینائی یافته و هرکس چشم خود را ببندد، خود محروم مانده و پیامبر نگهبان و محافظ او نیست.